

از فردی چک دارم که به تازگی فوت کرده است. چطور خود را وصول کنم؟

ساز ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی بدهی مدت دار متوفی از فوت او حال و به روز می شود. یعنی می تواند قبل از سر مد چک با مراجعه به بانک آن را وصول کنند و در صورت موجودی، از ماترک فرد قابل برداشت است.

اگر شوهر نفقه ندهد چه اقدامی می توان انجام داد؟
نزدادن شوهر که به آن ترک انفاق گفته می شود، نسبت فراد واجب النفقه می تواند پیگرد قضایی داشته باشد.

زوجه می تواند علاوه بر نفقه آینده، نسبت به نفقه گذشته هم اقدام کند. مطالبه نفقه از طریق کیفری هم امکان پذیر است و اگر تمکن زوج ثابت شود، تاشش ماه حبس برای او در نظر گرفته می شود.

اگر ماشینم را کمتر از نرخ دیه بیمه کنم و راننده ماشینم وقتی تصادف کرد شخص دیگری باشد سوالم این است که آیا من که صاحب ماشین هستم باید مابقی دیه را پرداخت کنم؟
در این صورت راننده وسیله نقلیه ای که در مقصر حادثه است مسئول پرداخت کلیه خسارات و دیه و شامل مجازات

قانونی است که دادگاه تعیین می کند.

شوهرم بدون اجازه دادگاه ازدواج مجدد کرده است چطور می توانم شکایت کنم و این که آیا این کار جرم محسوب می شه؟

در اینگونه موارد دفاتر ازدواج حق ندارند بدون حکم دادگاه ازدواج مجدد را به ثبت برسانند. ولی اگر همسران، ازدواج مجدد خود را ثبت نکرده است، جرم محسوب می شود و ممکن است به یکسال حبس محکوم شود. ضمن اینکه بر اساس بند ۱۲ عقدنامه امکان اخذ طلاق را برای شما فراهم کرده است.

محکمه

تشریح

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۵

چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۲

قتل خانم نقاش با انگیزه سرقت خودروی شاسی بلند



بررسی اثر انگشت، مأموران به یک مجرم سابقه دار به نام کیوان رسیدند که به تازگی از زندان آزاد شده بود. تیم جنایی سراغ کیوان رفت و او را دستگیر کردند.

متهم در جریان تحقیقات گفت: «من زیبا را نمی شناختم. دوستم کریم او را می شناخت و به من گفت این زن نقاش و بسیار ثروتمند است. ما قصد داشتیم ماشین این زن را سرقت کنیم. روز حادثه خودمان را سر راه او قرار دادیم. باتوجه به این که زیبا، کریم را می شناخت، وقتی دید ما پیاده هستیم، پیشنهاد داد ما را در مسیرش به جایی که می خواهیم برساند. من و کریم سوار ماشین شدیم. بعد از این که مسافت کمی را طی کرد به او گفتیم ماشین را به ما بدهد و برو در غیر این صورت او را می زنیم. مقاومت کرد و قبول نکرد. من هم زیبا را زدم و بیهوش کردم. سپس او را روی صندلی عقب انداختیم. چند دقیقه بعد زن جوان به هوش آمد و دوباره شروع به داد و فریاد کرد. به همین خاطر من و دوستم با دو ضربه چاقو او را کشتیم و جسدش را در حاشیه تهران دفن کردیم.»

با اعترافات این مرد، مأموران دوستش کریم را هم بازداشت کردند. او نیز قبول کرد زیبا را زدنیده و او را به قتل رسانده و گفت: بعد از دفن جسد، ماشین را در خیابانی رها کردیم و با خودمان گفتیم صبح شد، می آییم ماشین را برمی داریم، اوراق می کنیم و می فروشیم؛ اما فردای آن روز که آمدیم، متوجه شدیم ماشین نیست و بعد هم خودمان بازداشت شدیم. پس از اعتراف دو متهم و با راهنمایی آنها، جسد مقتول کشف و برای تشخیص علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. پرونده نیز با تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه جنایت به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در جلسه محاکمه، اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کردند. کیوان در دفاع از خود، کریم را به عنوان قاتل معرفی کرد و گفت: «من با موتور ماشین را تعقیب می کردم و نقشی در قتل نداشتم. کریم سوار ماشین بود و این قتل را رقم زد.» کریم هم اتهام قتل را گردن همدستش انداخت. به این ترتیب قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند.

دو مرد که با انگیزه سرقت خودروی شاسی بلند زن نقاش، او را کشته بودند، در دادگاه کیفری پای میز محاکمه قرار گرفتند.

صبح یازدهم بهمن سال گذشته زن نقاش وقتی سوار بر خودروی خود از خانه شان بیرون آمد، خبر نداشت سرنوشت شومی برای او رقم خورده است. به میان کوچه که رسید، مردی برایش دست بلند کرد. او را می شناخت، کریم بود. کارگری که هرازگاهی برای نظافت به خانه شان می آمد. مردی کنار کریم ایستاده بود و سعی می کرد نگاهش را از زن نقاش بدزد.

وقتی نقاش جوان پا رو ترمز گذاشت، لیخند رضایت روی صورت کریم و دوستش نقش بست. آنها سوار ماشین شده و برق چاقوی کریم روی صورت راننده نقش بست. شوکه شده بود، تهدیدهای کریم شروع شد. «پیاده شو. ماشین رو بده کاری با تو نداریم.» زن جوان سعی کرد از دست شان فرار کند اما ناگهان سوزشی در پهلویش حس کرد و از هوش رفت. چند دقیقه بعد بی رمق چشمانش را باز کرد. روی صندلی عقب خودرو بود، رد خون روی صندلی او را به وحشت انداخت. می دانست زننده از آن ماشین بیرون نمی رود و سعی کرد هرطور شده، خود را نجات دهد اما پاسخ هر تقلاش، ضربه چاقویی بود که روی بدنش فرود می آمد تا در نهایت جانش را گرفت. وقتی غیبتش طولانی شد و به تلفنش پاسخ نداد، خانواده اش نگران راهی پلیس آگاهی شده و شکایتی را مطرح کردند. بررسی شکایت نشان داد، زن ۴۴ ساله از نقاشان سرشناس است که چند نمایشگاه نقاشی برگزار کرده است. سابقه نداشت برای مدت طولانی خانواده اش را بی خبر بگذارد. شماره پلاک خودرو در اختیار گشت های پلیس قرار گرفت تا این که یک روز بعد، ماشین در یکی از محله های تهران پیدا و به پارکینگ پلیس منتقل شد. کارشناسان تشخیص هویت بررسی خودرو را آغاز کردند و دو سرنخ کشف کردند که مسیر تحقیقات را وارد فاز جدیدی کرد. رد خون روی صندلی عقب احتمال قتل این زن را مطرح کرد. از سوی دیگر اثر انگشتی روی داشبورد خودرو پیدا شد که احتمال می رفت متعلق به قاتل باشد. با

این نهاد است، گاهی هم هر دو لباس سفید و قرمز و امیدبخش هلال احمر را با آن هلال ظریف و زیبایش به تن می کنند و عازم مأموریت می شوند. درست مثل محمد صفری و ساناز گرمه، زوج امدادگر و عضو جمعیت هلال احمر کتبد کاووس که مدتی پیش عکس سلفی دو نفره شان در یکی از مأموریت ها، در فضای مجازی منتشر شد و مردم هم واکنش های جالبی به حضور یک زن و شوهر هلال احمری نشان دادند. گفت و گوی تپش را با آنها در ادامه می خوانید.

«م» و «نی روم»، کلماتی تضمینی وجود ندارد گذشته» شاید توصیف

به عنوان امدادگر در فقط زن یا شوهر عضو

پنجه های مان هم بعد از بزرگ شدن باید وارد هلال احمر

بیاتی که در این پنج سال فعالیت در هلال احمر پشت

ما با مرگ دست و پنجه نرم می کردیم. افرادی بودند که با آنها رابطه داشتیم. چون آن زمان کرونا تازه وارد بین اطلاعات رادر مورد این بیماری داشتیم و برای همین سال ۱۳۹۸ هم خطرناک بود. شرایط بسیار دشواری بود. تا بیدارمان می کردند تا کاری انجام دهیم. یا بعد از معاینه ساسیت پوستی شدم، در حدی که دستم کهیر زد و این پیش رفت. خیلی وحشتناک بود. آن قدر شرایط پیچیده



یا سال ۹۹ که سرباز بودم، تماس گرفتند و اعلام دنبال جسد فردی در زیر آب می گشتیم که برخی به سرعت از کنار ما رد می شدند، در حالی که اگر کردیم، قطعاً خطر جانی برای مان داشت. سال به بود دچار برق گرفتگی یا غرق شدگی شویم. آن خل آب و جایی افتاده بود که ما نمی دیدیم و اگر به می شدیم، احتمال خطر مرگ وجود داشت. همان ساختمان ها به ما هشدار دادند به سمتی که ترانس ب افتاده نزدیک نشویم. بعد با پست منطقه تماس شد. در عملیات ها ما گاهی شاهد برخی ناملایمت ها توان از افراد حادثه دیده ای که زندگی شان را از دست یط بهتری داشت. در مقابل پرخاش افراد حادثه دیده کردیم و جز چشم چیزی نمی گفتیم. در چنین مواقعی لیل است و فقط باید به حادثه دیده امدادسانی کنیم.» هایش می گوید همیشه از مردم خواسته ام که برایمان قبت به خیر شویم. او معتقد است در زندگی به هرجایی دعا ی خیر مردم است.

